

## نگاهی سبک شناسانه به نسخهٔ منحصر به فرد دیوان میرزا کاظم طبیب یزدی

(ص ۲۱۱-۱۹۵)

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۶

نازنین غفّاری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، دکتر محمد صادق بصیری<sup>۲</sup>، دکتر محمود مدبری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

### چکیده:

میرزا کاظم طبیب یزدی، پزشک و شاعر برجستهٔ روزگار قاجار منسوب به خاندان بلندآوازهٔ کرمانی مشهور به خاندان حکیمان است که مرحوم ناظم الأَطباء نیز از همین خاندان برخاسته است. جدّ اعلای این خاندان حکیم نفیس بن عوض کرمانی طبیب بزرگ قرن هشتم و نهم هجری است. میرزا کاظم طبیب به سبب سکونت در منطقهٔ محدود ابرکوه تاکنون گمنام مانده است. ایشان صاحب دیوانی است که با مختصات شعری سبک بازگشت سروده شده و مشتمل بر غزل، قصیده، مثنوی، مسمط، رباعی، ترکیب بند و ترجیع بند و قالبهای ترکیبی میباشد. میرزا کاظم در سرودن اشعار آیینی به ویژه نوحه نیز دستی توانا داشته است. در این نوشتار برآنیم به این پرسش پاسخ دهیم که: میرزا کاظم طبیب یزدی کیست و مختصات سبکی و نوآوریهای ایشان در شعر چیست؟

**واژه های کلیدی:** میرزا کاظم طبیب یزدی، بصیر، نفیس بن عوض، سبک، نسخهٔ خطی، دیوان

اشعار

Nazanin.Ghaffari67@gmail.com

Ms.basiri@gmail.com

modaberi2001@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲- استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳- استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

## ۱- مقدمه

خاندان منسوب به دانشمند برجسته و حکیم بلند آوازه کرمانی برهان‌الدین نفیس بن عوض (معروفترین پزشک اواسط قرن نهم هجری) (مقدمه فرهنگ نفیسی، نفیسی: پ) از خاندانهای بزرگ در تاریخ سرزمین ایران و به ویژه کرمان میباشد. این خاندان شیعه مذهب که طبابت و پزشکی پیشه خانوادگی و موروثی ایشان است، تا به امروز دانشمندان و اطباء شایسته‌ای را تقدیم این مرز و بوم نموده‌است. (حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در کرمان، میرزا رضی: ۱۷۴) اعضای این خانواده بزرگ در برهه‌ای از تاریخ بنا به شرایط حاکم بر روزگار از نقاطی غیر از سرزمین آبا و اجدادی خود کرمان سر برآورده‌اند. به طوری که در طول تاریخ و نیز اکنون در شهرهای کرمان و تهران و یزد و شیراز و مشهد و حتی در عراق و هندوستان و اروپا میتوان اعضای این خانواده را سراغ گرفت. (تاریخ پزشکی کرمان، ملک محمدی: ۳-۸۶۲) برخی از افراد این خاندان به خاطر روزگاری که در آن میزیسته و اقدامات ماندگاری که انجام داده‌اند، آثاری که از خود به یادگار نهاده‌اند، شخصیت والایی که از خود در اذهان به جا گذاشته‌اند و مقام و موقعیت علمی و سیاسی و فرهنگی ویژه‌شان شناخته شده و مشهورند. به گونه‌ای که کمتر کسی است که مرحوم علی اکبر خان ناظم الاطباء صاحب فرهنگ نفیسی یا فرزند ارجمندشان دکتر سعید نفیسی را نشناسد. اما برخی دیگر به سبب منطقه محدود و بسته‌ای که به اجبار روزگار در آن زندگی نموده‌اند، علی رغم مقام بلندشان گمنام و بدون آوازه مانده‌اند. از جمله این افراد که از این خاندان برخاسته و پیشه موروثی طبابت را برای خدمت به هموطنانش برگزیده، میرزا کاظم طبیب یزدی است. طبیعی که به اجبار زمانه و به سبب کمبود پزشک در جامعه آن روز حکومت قاجار (همان: ۱۲۱۰) چاره‌ای جز خدمت در نقاط دورافتاده نداشت. وی برای مداوای بیماران به ابرکوه رفت و تا پایان عمر را در آنجا سپری نمود. میرزا کاظم علاوه بر طبابت در سرودن شعر نیز تبخّر داشت و دیوانی از خود به جا نهاد. این دیوان که به شکل نسخه خطی منحصر به فردی در میان فرزندان و نوادگان ایشان به یادگار مانده، به تازگی توسط نگارنده به شیوه قیاسی مورد تصحیح قرار گرفته‌است و امید است تا با نشر آن، مقام این طبیب و شاعر بزرگ روزگار قاجار بیش از پیش شناخته گردد.

## ۱-۱- پیشینه پژوهش

چنانکه گفته شد، میرزا کاظم طبیب یزدی در منطقه کوچکی به نام ابرکوه میزیسته است و محدودیت منطقه سکونت او مانع از آن شده تا جمع کثیری با شخصیت ایشان آشنایی یابند. بر مبنای تفحص نگارنده، شرح حال ایشان تنها در منابع محلی از جمله دانشنامه مشاهیر یزد (ج ۲) و فرهنگ عامه ابرکوه مسطور است. هدف نگارنده در این نوشتار آن است تا پس از معرفی میرزا کاظم طبیب و نسخه دیوان به جا مانده از ایشان، مختصری از سبک و سیاق شاعری این شاعر مغفول عصر قاجار را که از کاوش در دیوان وی حاصل آمده است، به رشته تحریر درآورد.

## ۱-۲- ضرورت تحقیق:

ارزش وجودی آن دسته از گویندگانی که در اواخر دوره قاجار راه را فرآوری تحولات باز کرده‌اند، هرچند گمنام حائز اهمیت است. بررسی اشعار میرزا کاظم طبیب به سبب دارا بودن نوآوریها و التزامات خاص کامل کننده حلقه‌ای از سلسله تحولات ادبی در دوران فترت بعد از عصر قاجار و نیز شناساندن چهره علمی و ادبی دیگری از خاندان حکیمان است.

## ۱-۳- روش تحقیق:

روش به کار رفته در این پژوهش روش کتابخانه‌ای و سند کاوی است.

## ۱-۴- سؤال اصلی:

میرزا کاظم طبیب یزدی کیست و شعر ایشان دارای چه مختصات سبکی است؟

## ۲- بحث:

### ۲-۱- شرح حال حاج میرزا کاظم طبیب یزدی:

شرح حال میرزا کاظم را با ارائه سلسله نسب ایشان آغاز میکنیم: حاج میرزا کاظم فرزند میرزا زین‌العابدین فرزند میرزا ابوالقاسم فرزند میرزا سعید فرزند [محمد کاظم] میرزا ابوالقاسم فرزند [محمد- کاظم] فرزند میرزا سعید شریف فرزند عوض فرزند حکیم کرمانی. (فرهنگ عامه ابرکوه، حاجی‌زاده: ۳۱۶) و (پایان نامه، بهرامی: ۲۰۸ به نقل از دکتر بصیری)

میرزا کاظم حکیم، شاعر، ادیب، فیلسوف و طبیب برجسته اواخر قاجار در سال ۱۲۱۴ ش/ ۱۲۵۰ هـ ق در یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی و فراگیری دانش پزشکی و سایر دانشها را در یزد آغاز نمود و برای تکمیل معلومات به اصفهان رفت. پس از بازگشت از اصفهان در یزد ساکن شد و به مداوای بیماران پرداخت. آنجا خانه‌ای بزرگ در اختیار او قرار داده شد تا به معالجه بیماران بپردازد. هنوز بقایایی از این خانه برجاست. میرزا کاظم در این خانه به بستری بیماران و مداوای آنها و نیز تهیه داروهای گیاهی برای آنان میپرداخت. در گذشته تعداد پزشکان معدود بود و اطبا به ناچار باید برای مداوای بیماران به اقاص نقاط کشور میرفتند. میرزا کاظم نیز با وجود شهرت و مهارت فراوان در پزشکی بدون کوچکترین چشمداشتی به مناطق دوردست و کوچک نیز سفر کرده است. از جمله این مناطق بخش ابرکوه در استان یزد است که اکنون نیز در شمار شهرستانهای این استان به شمار می‌آید. میرزا کاظم در اثر فشار حاکمان جبار و مستبد قاجاری به ویژه حاکم یزد یعنی جلال الدوله فرزند ظل‌السلطان به ابرکوه رفت و در آنجا نیز پس از سکونت معالجه بیماران را آغاز نمود. او در ابرکوه ازدواج کرد و حاصل این ازدواج فرزندان بود که مشهورترین آنها میرزا حسین آقای طبیب میباشد. میرزا کاظم سرانجام به سال ۱۳۰۴ هـ ش/ ۱۳۴۳ هـ ق در ۹۰ سالگی در ابرکوه دار فانی را وداع گفت و در امامزاده احمد این شهر به خاک سپرده شد.

همانند دیگر افراد این خاندان که اغلب طبیب یا ادیب بودند و یا در هر دو زمینه تبحر داشتند، میرزا کاظم نیز در کنار طبابت از ذوق ادبی والایی برخوردار بود و دیوان شعری از وی به یادگار مانده است که اقسام شعر از قصیده و غزل و مسمط و رباعی و نوحه و مراثی مذهبی در آن یافت میشود. وی در اشعارش «بصیر» تخلص مینمود. (پایان نامه، بهرامی: ۱۰-۲۰۸ و ۲۱۴ مصاحبه با آقای دکتر بصیری؛ فرهنگ عامه ابرکوه، حاجی‌زاده: ۶-۳۱۵)؛ (دانشنامه مشاهیر یزد، کاظمینی، ج ۲: ۹۸۱)

## ۲-۲- نسخه شناسی

از دیوان میرزا کاظم طبیب نسخه‌ای منحصر به فرد باقی است که در میان فرزندان و نوادگان ایشان محفوظ مانده است. این نسخه به گواهی فرزندان ایشان به خط خود شاعر نگاشته شده و مشتمل بر ۱۷۶ صفحه پاک‌نویس در قطع وزیری، ۶ صفحه یادداشت گونه در قطع کوچک و سه صفحه بزرگ پیش‌نویس میباشد؛ جلدی چرمی دارد و بر روی کاغذ نخودگی رنگ به خط شکسته نگارش یافته و گاه به شکسته تحریر هم نزدیک شده است. نسخه یاد شده فاقد تزئینات خاص و ترقیمه است. اغلب صفحات نسخه دارای رکابه میباشد که ترتیب صفحات آن را حفظ میکند. با این وجود برخی صفحات رکابه ندارند و حتی در مواردی به دلیل ناتمام رها شدن شعری به نظر میرسد صفحاتی از نسخه افتاده است.

## ۲-۳- سبک شعری

دیوان میرزا کاظم طبیب مشتمل بر ۴۲۲۲ بیت میباشد و از نظر مختصات سبکی جزو اشعار سبک بازگشت به شمار می‌رود. در ادامه اشعار ایشان را از نظر قالب، محتوا، وزن و صنایع شعری بررسی خواهیم نمود.

## ۲-۳-۱- سطح صوری و ظاهری

### الف) قالبهای شعری

بیشترین ابیات موجود در دیوان در قالب غزل و پس از آن به ترتیب در قالبهای قصیده و مثنوی و مسمطهای پنج مصراع (مخمس) سروده شده است. رباعی و قالبهای فرعی نظیر ترجیع بند و ترکیب بند و قوالب ترکیبی نظیر مستزاد ترجیع، مسمط ترجیع و... نیز قالبهایی هستند که شاعر در آنها طبع آزمایی کرده است.

### ۱- غزلیات:

غزلیات میرزا کاظم را میتوان به دو دسته تقسیم نمود. نخست غزلهایی که به سبب رعایت نوع خاصی از التزام که به نظر میرسد ویژه خود اوست، آنها را التزامی یا اعناتی میخوانیم. در بخش نوآوریهای شاعر به تشریح این نوع التزام خواهیم پرداخت. موضوع عمده این دسته از غزلیات که ۱۲۸ غزل و ۱۲۷۲ بیت از دیوان بصیر را تشکیل میدهد، عاشقانه است. پس از موضوع عشق، درون مایه عرفان و

یا تلفیق عشق و عرفان و پس از آن اشعار مذهبی، زهد و توجه دادن مخاطب به آخرت، ذم، شکوه از بی‌اخلاقی مردم زمانه، میل به ترک دیار، مدح و مناجات از موضوعاتی است که مورد توجه شاعر در این اشعار قرار گرفته است.

میرزا کاظم طبیب افزون بر غزلیاتی که التزام الفبایی یاد شده در آنها رعایت شده است، اشعار دیگری نیز در قالب غزل دارد که فاقد این التزام هستند. این ۳۷ غزل که در مجموع ۳۱۰ بیت از دیوان شاعر را تشکیل می‌دهند، اغلب عاشقانه اند و تعداد سیزده غزل در موضوع رثای ائمه(ع) و شهدای کربلا سروده شده‌اند.

میرزا کاظم در غزلیات خود بیشتر از انواع زحافات بحور رمل، هزج و مجتث و در مواردی از بحور مضارع و منسرح و به ندرت از بحور خفیف، رجز، متقارب و حتی مقتضب سود جسته است. حدود ۴۶ درصد از غزلهای میرزا کاظم در بحر رمل، حدود ۲۴ درصد در بحر هزج و حدود ۱۷ درصد در بحر مجتث سروده شده‌اند. شاعر از انواع زحافات بحر هزج که مختص سرودن رباعی هستند نیز برای سرودن غزل استفاده کرده است. نزدیک ۹۰ درصد از غزلیات میرزا کاظم طبیب مردّف هستند.

## ۲- قصاید:

بخش بزرگی از دیوان میرزا کاظم طبیب(۹۹۱ بیت) را قصاید تشکیل می‌دهد که میتوان آنها را در دو دسته جای داد.

الف) قصاید سنتی: این دسته از قصاید که آنها را قصاید سنتی نام نهاده‌ایم و ۱۹ قصیده و مجموعاً ۷۵۱ بیت از دیوان شاعر را تشکیل می‌دهند، ساختار سنتی قصیده را حفظ کرده‌اند. به بیان دیگر از تغزل، گریز به مدح، تنهٔ اصلی و شریطه تشکیل یافته‌اند. موضوع این قصاید اغلب مدح خانان و وزرا و یا منقبت بزرگان دینی و یا تهنیت اعیادی چون نوروز و غدیر است.

ب) قصاید عاشورایی: از میان اشعار عاشورایی شاعر، آنها که وحدت موضوع و بیش از ۱۲ بیت دارند قصیده به شمار آمده‌اند. تعداد ابیات این شش قصیده بر روی هم ۱۰۹ بیت می‌باشد.

ج) تواریخ: میرزا کاظم طبیب سه شعر نیز در موضوع ماده تاریخ مشتمل بر ۴۱ بیت دارد. این اشعار در رثا و تاریخ وفات میرزا محمد حسن شیرازی و حاجی میرزا حبیب الله رشتی (۱۳۱۲هـ.ق)، سید جواد مرحوم آقا سید حسن (۱۳۰۷هـ.ق) و میرزا محمد حسن مجتهد (۱۳۴۲هـ.ق) به نظم درآمده‌اند.

د) سه قصیده که بر روی هم ۹۰ بیت میشوند هم به موضوع تبری اختصاص دارند.

میرزا کاظم در نظم قصاید خود به ترتیب بسامد از بحور رمل، هزج، مضارع، منسرح و به ندرت متقارب، رجز، مجتث و خفیف بهره برده است. از تعداد ۲۸ قصیده موجود در دیوان ۱۴ قصیده دارای ردیف هستند.

## ۳- مثنویات:

۵۰۸ بیت از دیوان میرزا کاظم طبیب در قالب مثنوی سروده شده است. از این تعداد ۷۰ بیت در حمد خداوند، نعت رسول اکرم(ص)، حضرت امیرالمؤمنین(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به نظم

درآمده که ناتمام رها شده است. ۵۵ بیت از مثنویهای شاعر نیز اختصاص به مضامین عاشورایی دارد. ابیات یاد شده همه در بحر رمل سروده شده است. ( دو قطعه ۴ و ۵ بیتی هم در ضمن دو نوحه سروده شده که در شمار ابیات قوالب فرعی محسوب شده‌اند و در بحر رمل مثنی و هزج مسدس میباشند). اما ۳۸۳ بیت باقی مانده از مثنویهای شاعر مربوط به منظومه‌ای داستانی است که در بحر متقارب مثنی به نظم درآمده و نشان میدهد که میرزا کاظم طبیب در نظم داستان نیز تبخّر داشته است. در این منظومه داستانی نشانه‌های تأثیرپذیری میرزا کاظم طبیب از فردوسی و سعدی به چشم میخورد. بیت نخست این مثنوی چنین است:

من (۱) سر نامه بادا به نام خدای که باشد به ما گمراهان رهنمای

#### ۴- مسمّطات:

یکی از قالبهای مورد توجه میرزا کاظم قالب مسمّط است. مسمّطهای میرزا کاظم طبیب در مجموع ۵۰۶ بیت است که آنها را میتوان به دو دسته تضمینی و غیر تضمینی تقسیم نمود.

الف) مسمّطهای تضمینی: در این مسمّطهای مخمّس، شاعر بیت یا تمام ابیات غزلی از شاعری دیگر (حافظ، مولانا و سعدی) را در شعر خویش تضمین نموده است. مجموع ابیات سروده شده توسط خود شاعر در بخش مسمّطهای تضمینی ۵۸ بیت میباشد.

ب) مسمّطهای غیر تضمینی: در این مسمّطها تضمینی در کار نیست و تمام مصرعها سروده شاعر میباشد. این مسمّطها در مجموع ۴۴۸ بیت از دیوان را تشکیل میدهند و آنها را از نظر درون مایه میتوان در چهار گروه جای داد.

\* مسمّطهای مذهبی: تعداد شش مسمّط که همه مخمّس هستند و در موضوع میلاد و منقبت ائمه (ع) سروده شده‌اند و در مجموع ۲۱۴ بیت دیوان را تشکیل میدهند.

\* مسمّط مدحی: یک مسمّط مخمّس که در مدح میرزا احمد خان سرهنگ در ۶۷ بیت به نظم درآمده است.

\* مسمّطهای عاشورایی: تعداد دو مخمّس و دو مثلث که محتوای آنها مربوط به مصیبت کربلاست و روی هم ۱۰۱ بیت را تشکیل میدهند.

\* مسمّط در موضوع تبرّی مشتمل بر ۶۶ بیت

#### ۵- ترجیع بند و ترکیب بند

در دیوان بصیر ۸۴ بیت به قالب ترجیع بند و ۱۴۴ بیت به قالب ترکیب بند اختصاص دارد. سه ترجیع بند موجود در دیوان عبارتند از: ترجیع بندی در رثای امام حسین (ع)، دو ترجیع بند در نقد اجتماعی و سیاسی. محتوای سه ترکیب بند شاعر هم توصیف وقایع کربلاست. برخلاف دیگر قالبها

ترجیع بند و ترکیب بندهای شاعر از نظم و ساختار یکدستی برخوردار نیستند. تعداد ابیات هر بند با بند دیگر متفاوت است و بیت ترجیع شکل یکسان و ثابتی ندارد.

#### ۶- رباعیات:

میرزا کاظم طبیب دوازده رباعی دارد که ۲۴ بیت از دیوان وی را تشکیل می‌دهند. از این تعداد شاعر یک رباعی را در باغ نظر کازرون و هفت رباعی را به بدیبه در وصف گنبد حضرت علی(ع) سروده است.

#### ۷- قوالب فرعی، متفرقات و تفننات

علاوه بر قالبهای یاد شده، میرزا کاظم طبیب در قالبهایی نظیر مستزاد ترجیع، مسمط ترجیع، مستزاد ترکیب، مسمط ترکیب و دیگر قالبهای ترکیبی که عمدتاً در نوحه‌های شاعر کاربرد مییابند نیز طبع آزمایی کرده است که در مجموع ابیات دیوان، ۳۳۵ بیت را به خود اختصاص می‌دهند. وی قطعه شعرهایی نیز دارد که به سبب ناهماهنگی در تعداد ابیات و شکل قوافی و موضوع نمیتوان آنها را در یک قالب خاص گنجانند. این اشعار در مجموع ۴۸ بیت هستند. در دیوان مذکور یک معمای منثور کوتاه به زبان عربی نیز موجود است.

#### ب) واژه‌ها

واژه‌های مورد استفادهٔ میرزا کاظم در مواقعی که شاعر گرفتار تنگنای قافیه و التزام نبوده، در شمار لغات رایج معیار است و در کنار واژه‌های فارسی، لغات عربی مرسوم نیز در حدّ رایج و معتدل در غزلیات ایشان کاربرد یافته است. اما از آنجا که شاعر در ۱۲۸ غزل، خود را ملزم به رعایت یک نظم ویژه در ابیات نموده (که در ادامه مشروحاً به آن می‌پردازیم) و تمام مصرعهای نخست و مصرع دوم هر غزل را با یک حرف ثابت آغاز نموده است؛ یافتن واژه‌هایی که همه با یک حرف خاص آغاز شوند، وی را در برخی از حروف الفبا به بهره‌گیری از واژه‌های قاموسی ناچار ساخته است که هرچند از روی اجبار اما به لحاظ سبکی نوعی ضعف در سبک زبانی وی به شمار می‌رود. یعنی لغاتی با کاربردی نادر که حتی بعضی از آنها را تنها میتوان در فرهنگ لغت پیدا نمود. برخی از این واژه‌های غریب الأستعمال عبارتند از: ضریبت، ظماً، لبیب، ژوله، ژوزه وار، ژون، ژول، ثعابین، ذبول، ذعاف، ژاغر، ژخ، ضفدع، طوبوب، ژابیز، ژکفر، ....

واژه‌های نخستین ابیات به ویژه در غزلیاتی که ابیات آنها با حروف عربی چون (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ) و یا حروف (ف، ق، ل، و) آغاز میشوند اغلب عربی و در غزلیاتی که با حروف فارسی (پ، ژ، چ) آغاز میشوند فارسی هستند. در غیر این موارد لغات عربی و فارسی از نوعی اعتدال برخوردار است. در کنار لغات عربی، گاه میرزا کاظم طبیب از جملات عربی و اصطلاحات و شبه جمله‌های عربی نیز بهره می‌گیرد که بر جذابیت اشعارش می‌افزاید:

ق ۶ (۱۲) گفتمش: مرحباً بک یا مُهجتی لَدَیک      أَحسَنت یا حبیبی روحی لَک النّثار  
ق ۸ (۱۷) پای ماندن نیست دیگر طاقتم گردیده طاق      جان اگر گردد تلف بئسَ المَکان نِعَمَ الفَرار

در قصاید و مسمطها از سویی به سبب ماهیت این نوع اشعار که لحنی فخیم و پر طمطراق دارند و از سوی دیگر تعداد بیشتر ابیات و مناسب بودن واژه‌های عربی برای نشستن در جایگاه قافیه، شمار واژه‌های عربی بیشتر است. علاوه بر قوافی در دیگر واژه‌های ابیات قصاید و مسمطها نیز شمار واژه‌های عربی به نسبت غزلیات بیشتر است.

به طور کلی شمار لغات عربی در اشعار میرزا کاظم کم نیست؛ اما در غزلیات اغلب از نوعی است که در زبان رایج بوده و شعر را به تکلف نکشانیده است. در حالی که تکلف و تصنع حاصل از کاربرد واژه‌های عربی در برخی از مسمطها مشهود است. در میان واژه‌های مورد استفاده شاعر چند گروه از لغات شاخص‌ترند:

### ۱- واژه‌ها و اصطلاحات طبّی:

از آنجا که حرفه شاعر طبابت بوده، بدیهی است که واژه‌های طبّی به شعر وی راه یافته باشد. نظیر: بیمار، علاج، دوا، حکیم، جدوار، مفرّح، طیب، حنظل، تریاق، درد، عارض، مرض و...

غا ۲۴(۹) محبتان دایماً پندم دهند از صبر در عشقت کجا مخمور راح عشق و دگان دوايي را  
غا ۱۰۲(۲) ذات جنب آرد و ذات الرّیه و ذات الصّدر چه مرضها که کند صاحب حرمان احداث

### ۲- واژه‌های نجومی:

دانشهای طب و نجوم از زمانهای باستان تا چندین قرن پس از اسلام با هم پیوستگی داشتند و به ویژه قبل از روزگار صفوی که هنوز آموزش دانش طب از تدریس دیگر دانشها جدا نشده بود، حکیمان جامع الاطراف در همه علوم متبحر بودند و یک طیب برجسته منجم خوبی هم بود و برعکس. (تاریخ پزشکی کرمان، ملک محمدی: ۶۹۸ و ۸۷۸) در دیوان میرزا کاظم طیب نیز گذشته از واژه‌های طبّی و پزشکی که به تناسب حرفه اصلی شاعر در اشعارش راه یافته، کاربرد اصطلاحات نجومی به ویژه صورتهای فلکی نیز که در مثنوی داستانی او نمود یافته است، از دانش او در علم نجوم حکایت دارد. شاهد مثال:

من(۱۱۳) یکی زهره سان رقص را ساز کرد  
یکی نیک طنبور را مشتری  
۱۱۵ یکی شمس بر سر زده  
حسود بذاختر چو مریخ شام  
سخن چین و نمّام با صد تعب  
فلک برّه میپخت از بهر خان  
یکی بهر گرداندن چشم بد  
قمر طلعتی میبر آواز کرد  
عطارد یکی ساخت انگشتری  
یکی چون ز حل حلقه بر در زده  
ز حسرت گرفته ره پشت بام  
چه مار جدا گشته رأس و ذنب  
ملک خوشه میکوفت از بهر نان  
به جنگ اندر آورده ثور و اسد

### ۳- واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه

در ادامهٔ زبان شعری سبک هندی که واژه‌های عامیانه را به وفور وارد حوزهٔ شعر ساخت و موجبات ابتذال زبان شعری را فراهم نمود، در دیوان بصیر که یک شاعر بازگشتی محسوب میشود نیز گاه نفوذ واژه‌های عامیانه را میبینیم که در مجموع بسامد چندانی ندارد و از آنجا که سبب سستی و فتور در شعر شاعر نشده، نمی‌تواند عیبی در سبک زبانی ایشان به شمار آید. بلکه کاربرد گاه گاه این قبیل واژه‌ها صمیمیت و لطف کلام وی را افزون ساخته است.

غا ۱۱۹ (۳) وای اگر فصل بهاران بخزم در کنجی      کنم از عمه او از خالو او از خاله حدیث  
 غا ۱۱۹ (۴) ول کنم صحبت اغیار و بگویم از یار      گویم از روی چو مه، غبغب چون هاله حدیث  
 غا ۱۱۹ (۹) وُخ وُخ از پیرزن حیلله گر جادوگر      نکنم من دگر از جادوی قتاله حدیث

### ۴- واژه‌های جدیدالورود و امروزی

با وجود آنکه شاعران سبک بازگشت کوشیده‌اند تا اغلب از واژه‌های کهن که مورد استفادهٔ گذشتگان بوده استفاده نمایند، اما از زبان روزگار خود و واژه‌های تازه و جدیدالورود نیز متأثر بوده‌اند. چرا که قطع کامل پیوند با زبان روزگار برای ایشان میسر نبوده است. شعر میرزا کاظم طبیب نیز از این ویژگی برکنار نیست. این واژه‌ها که در دیوان میرزا کاظم طبیب بسامد خیلی کمی دارند عبارتند از: دموکرات، توپ، تفنگ، قران، سرهنگ، وزیر، قانون...

ق ۸ (۳۲) گاه با توپ و تفنگ و گه به شمشیر و خدنگ      بود با اشرار اندر جنگ فی اللیل و النهار  
 غا ۱۱۴ (۷) قتل یک قوم روا دارند بهر دو قران      خون مخلوق خورد مفسد خونخوار خبیث

### ج) ویژگی‌های دستوری شعر میرزا کاظم طبیب

از آنجا که سبک شعری میرزا کاظم به شیوهٔ سبک بازگشت و مبتنی بر مختصات سبکی سبک خراسانی و عراقی است، نشانه‌هایی از کاربرد اسم و فعل و حرف و قید به شیوهٔ کهن در پاره‌ای از ابیات به چشم میخورد. در زیر به نمونه‌ای از این کاربردها اشاره میکنیم:

\* کاربرد حروف اضافه ای چون اَبَر و اَبَا و حرف اضافهٔ متروک اندر

غا ۱۷۹ (۱) ظاهر این خاک اَبَر باد فنا خواهد رفت      ظلم این قوم دغا تا همه جا خواهد رفت  
 ق ۱۱ (۲۵) به هرکس که شامل شود لطف خاصش      به رفعت برآید اَبَا مهر خاور  
 غا ۱۳ (۱۰) شرط وفا از آن صنم بودی بصیرا مردنم      خود کرد جا اندر تنم چون روح در پیکر مرا

\* رای غیر مفعولی

غا ۱۳ (۱۰) شرط وفا از آن صنم بودی بصیرا مردنم      خود کرد جا اندر تنم چون روح در پیکر مرا  
 غا ۳۰ (۱۰) چرخ گردد آن زمان ای ماه بر کام بصیر      در کنار اندر میان شیخ اَبَا شاب آبی مرا

✱ کاربرد حرف اضافه مضاعف

تب ۲(۴) هر دنی طبعی چرا دارد کلاه عزّ و جاه؟ هر غبی خوبی چرا پوشد به تن بر این دثار؟

✱ نه به شکل نی

قع ۳(۴) نی نی غلطم روز قیامت نه چنان است نی نی به خدا حالت محشر نه چنین است

✱ به کاربردن قیود کهن چون اینک، ایدون، گفتی، جملگی

غا ۱۵(۷) ضرام مطبخ اگر لازم است اینک جسم ز بهر تجربه یکسر بسوز سر تا پا

ق ۱۹(۵) به بام چرخ پرچم کوفتی ایدون فریدونی و یا بزم منوچهر است و نوشد راح ریحانی

م ۲(۲۱) زد سموم تیغ شسه بر کوفیان گفتی آمد برگ ریزان خزان

م ۲(۹) هر دو عالم جملگی یک پرتو أنوار اوست تابش ذرات موجودات زان روی نکوست

✱ فعل شد به معنی رفت

قع ۵(۱) ساقی میار باده که فصل بهار شد ایینک بهار غصّه و غم آشکار شد

✱ ساخت فعل با همی و همین

ق ۱۶(۱۴) بگشود مرجان را همی تا گیردم جان را همی نی جان که ایمان را همی بر باید آن سیمین جبین

م ۱۵(۱۵) دوبد و به دلمان درآویختش همین از بصر اشک می‌ریختش

✱ در آخر است و نیست

غا ۱۳(۱) شوری دگر ای عاشقان پیداستی در سر مرا شوقی دگر ای عارفان بگذشت در خاطر مرا

✱ اسم نکره با یکی و یکی-ی

م ۶(۶) شنیدم یکی داستان دلفروز که از دل زدايد همه سوگ و سوز

✱ آوردن پیش جزء «ب» در اول انواع ماضی و «ی» در آخر فعل

غا ۱۳(۲) صولت شیری ز خورشیدم بدیدم زآنکه او هر که را دیدی نمودی قوّت و نیروی را

غا ۶۳(۲) آیه وحدت گشوده باب تفضّل کاش بدانستی که کرده شفاعت

۲-۳-۲- محور محتوایی

در دیوان میرزا کاظم بیشترین بسامد موضوعی به اشعار مذهبی و آیینی که در موضوع مدح و منقبت عمدتاً در قالب قصیده و مسمط و در مضامین عاشورایی عمدتاً در دو نوع نوحه و تبرّی و اغلب قالبهای غزل، قصیده، مسمط و قالبهای ترکیبی بروز مییابند تعلق دارد. علاوه بر اشعار آیینی که به لحاظ موضوع بخش عمده دیوان میرزا کاظم را در بر میگیرد، اشعار عاشقانه و عارفانه در قالب غزل و شکوه و شکایت از روزگار و مردم زمانه و در موارد نادری هزل و نیز داستان و مدح بزرگان و مرثیه از دیگر موضوعات مورد توجه میرزا کاظم در دیوان است.

(الف) اشعار آیینی:

اشعار آیینی میرزا کاظم را میتوان به دو نوع تولّی و تبرّی تقسیم نمود. اشعار تولّی خود به دو دسته قابل تقسیم بندی است: ۱- اشعاری در مدح و منقبت و مولودی پیامبر اکرم(ص) و ائمه‌ی معصوم(ع) ۲- مراثی، واقعات و نوحه‌هایی در سوگ شهدای کربلا. نوحه نوعی از مرثیه‌های مذهبی است که در شمار ادب غنایی محسوب میشود و گاه محتوا و مضامین و آهنگهای ویژه به آن جنبه‌ی حماسی میبخشد. رابطه‌ی مرثیه و نوحه عموم و خصوص من وجه است. یعنی هر نوحه‌ای مرثیه است؛ اما هر مرثیه‌ای نوحه نیست. همچنین مرثیه بین شیعیان و پیروان دیگر مذاهب مشترک است؛ در حالی که نوحه مخصوص شیعیان و با باورهای مردم کوچه و بازار آمیخته شده است. (سوگ سروده‌های عاشورایی، رستگار فسایی: ۶) «در اواخر دوره قاجار با استقبالی که مردم از این نوع شعر کردند، به تدریج گویندگان فراوان از افراد عادی با ذوق که بعضاً سواد هم نداشتند به سرودن نوحه‌های سینه زنی روی آوردند که هرچند تا چندی قبول عام یافتند؛ اما ارزش ادبی آنها ناچیز بود و بدین لحاظ تعداد زیادی از آنها در بوته فراموشی قرار گرفتند.» (مرثیه سرایی و نوحه خوانی در دوره قاجار، آل داود: ۱۲۷) نوحه سرایی میرزا کاظم نیز مطابق با سلیقه‌ی دیگر نوحه سرایان عصر قاجار گاه از نظر ظاهری ترکیبی از چند قالب شعری است و حتی گاه در چند وزن سروده شده است. این نوحه‌ها دارای بندی هستند که ظاهراً در مراسم عزاداری و نوحه‌خوانی توسط مردم عزادار تکرار میشده است و وزن عروضی آن غالباً با دیگر مصرعهای نوحه متفاوت است. ۸۴۹ بیت از حجم دیوان میرزا کاظم اختصاص به نوحه‌ها و مراثی عاشورایی دارد.

### ب) تبرّی و هجو و هزل

میرزا کاظم طبیب در کنار سرودن نوحه‌های مذهبی و به اصطلاح اشعار تولّی، به سرودن اشعار تبرّی که دربردارنده‌ی واژه‌های رکیک و هزلتات میباشد نیز اهتمام ورزیده است. این بخش متشکل از دو قصیده و تعدادی قوالب فرعی نظیر مستزاد ترجیع و مسمّط و ترجیع بند است و مشتمل بر حدود ۲۳۳ بیت میباشد.

### ۲-۳-۳- محور ادبی

میرزا کاظم طبیب در کاربرد صنایع و زیباییهای ادبی دستی توانا داشته و به فراخور اشعار از انواع آرایه‌های بیانی، بدیع لفظی و معنوی در شعر خویش بهره جسته است. به سبب محدودیت مقاله برای آشنایی خوانندگان برخی از صنایعی را که از بسامد بالایی در دیوان شاعر برخوردارند با ذکر شاهد مثال<sup>۱</sup> نقل میکنیم:

### الف) صنایع بیانی:

۱- علائم اختصاری در شواهد مثال عبارتند از: غا(غزل التزامی)، غ(غزل غیر التزامی)، ق(قصیده)، قع(قصیده عاشورایی)، من(منظومه داستانی)، مث(مثنوی)، مت(مسمّط تضمینی).

۱- تشبیه: از میان آرایه‌های بیانی تصویرسازیهای میرزا کاظم بر محور تشبیه استوار است. وی از انواع تشبیهات (اضافه تشبیهی، تشبیه مرکب، تشبیه مضمّر و تفضیل) در اشعار خویش بهره گرفته که اغلب آنها حسیند.

غا ۴۱(۲) داشت رخساری چو مه، قدّی چو سرو باغ روز شب بدیدم بسته بر سرو خرامان آفتاب  
 غا ۶۵(۴) تمثال رخس را نتوان کرد به خورشید کاو دور جهان گردد و او جان جهان است  
 ق ۷(۷) ناگه نگارم از در آمد برون چنان خورشید زیر ابر کند صورت آشکار

در میان انواع تشبیهات بیشترین بسامد به اضافه تشبیهی اختصاص دارد. این تشبیهات همان‌گونه که از اشعار سبک بازگشت انتظار می‌رود، اغلب کلیشه‌ای و قریند؛ مانند: تیر غمزه، کمند گیسو، تیر نگاه، لب لعل، چاه زنخدان، تیر مژگان، سنبل زلف... و گاه جدیدتر و یا ساخته ذوق شاعرند؛ مانند: یوسف طبع، سمنند بخت، فرس وهم.

#### \* ترکیبات تشبیهی

در برخی اشعار دیوان گاه به تشبیهاتی برمیخوریم که در قالب یک واژه مرکب یا مشتق جلوه‌گر شده‌اند. واژه‌ای که مرکب از مشبّه و مشبّه به و یا مشتق از مشبّه به و ادات تشبیه است. کاربرد این گونه ترکیبات نیز در دیوان میرزا کاظم بسامد قابل توجهی دارد. نظیر: بنین زهره جبین، مهرو، غول صورت، کف دریا نوال، پرچهره، دلدار مه سیما، دلبر مه لقا، یوسف رخ، آفتاب رو، زلف کمند آسا، غبغب سیم‌سان، ماهوشان، روبه‌وشان، بت عیار وش

#### ۲- استعاره

پس از انواع تشبیه، پرکاربردترین آرایه بیانی در دیوان میرزا کاظم طبیب استعاره می‌باشد و از میان انواع استعاره بسامد استعاره مصرّحه بیشتر است.

غا ۸۵(۳) لؤلؤ [و] گوهر و مرجان فراوانی داشت گفتم این فتنه جان و دل [و] آشوب تن است  
 غا ۹۴(۶) آفتابم در پس ابر است و من در فرقتش رعدسان نالم چو ابر نوبهاران الغیاث

اغلب استعاره‌های به کار رفته در دیوان از نوع قریب و کلیشه‌ای هستند؛ مانند: مشک خطا، کمند مشک فشان، سنبل، مشک چین، زنجیر (زلف)، کمان، تیغ دوتالا (برو)، بت چین، گل، صنم، ماه، خورشید، حوری، پری، گلبن، ماهتاب (معشوق و محبوب)، آفتاب، روز، آب (چهره)، نرگس بیمار، نرگس، نور بادام، آهو (چشم)، حقه یاقوت، چشمه پر انگبین، درج لعل و در، کوثر، چشمه آب حیات (دهان)، لعل، مرجان، یاقوت، لعل بدخشان (لب)، درّ ثمین، گوهر، لؤلؤ (دندان)... و گاهی نیز استعاره‌های جدیدی نظیر طوطیان هند جانان (سالکان)، جدوار (خوش خلقی معشوق) به کار رفته است.

\* استعاره مکنیه:

انواع استعارهٔ مکنیه (تشخیص، اضافی...) نیز در دیوان میرزا کاظم نمونه هایی دارد:

غای۲۳ (۶) لت طعت اغیار [او] جور رقیبان ص با کاش میبرد پیغام ما را  
 غای۳۵ (۶) ثوابت ناظرند ای نازنین بر این دل مسکین که اندر سینه سیار است دل از اضطراب امشب  
 اضافی: عنان عطا- صید دل- ظُهر فلک- بازیهای گردون- پود و تار عشق- تار و پود عمر- جام ملامت  
**۳- کنایه**

کنایه هم به تناسب گاه در برخی ابیات به کار رفته است. مانند: ساز چیزی را ساختن (آماده شدن)،  
 گرو بردن (پیروز شدن)، قید چیزی را زدن (صرف نظر کردن)، ژاژ گفتن (بیهوده گفتن)، سر در گریبان  
 کشیدن (عزلت گرفتن)، رخت بستن (سفر کردن)، سنگین دل (بی رحم)، ده دله (بی وفا)...  
 غای۱۶ (۳) طبل پنهانی چرا باید زدن در کوی دوست؟ عشق از بام افکند خود طشت شیخ و شاب را

#### ۴- مجاز

میرزا کاظم طبیب پس از استعاره که مجاز به علاقهٔ شباهت است، دیگر انواع مجاز را نیز به تناسب  
 در برخی ابیات به کار برده است.

غای۳۳ (۳) بکش پیاله که ایام وصل گشت پدید گذشت موسم شیب [او] رسید گاه شباب  
 غای۱۰۳ (۳) رنگ همهٔ یاران چون ورد معصفر بود بس ظلم [او] ستم دیدند بس رنج و تعب باعث

#### ب) بدیع لفظی

واج آرای، تکرار، تصدیر، اعنات، طرد و عکس از جمله صنایعی هستند که در دیوان بصیر نمونه هایی  
 دارند. شاعر از میان صنایع بدیع لفظی به موازنه و انواع جناس بیشتر توجه نشان داده است.

#### ۱- جناس:

پرکاربردترین آرایهٔ بدیع لفظی که به طور گسترده در کلام میرزا کاظم نمود یافته، جناس است. میرزا  
 کاظم انواع مختلف جناس اعم از تام، لفظ، مرکب، مضارع، لاحق، خط (تصحیف)، محرّف (ناقص)،  
 اقتضاب (اشتقاق)، زاید مطرف، زاید وسط، زاید مدّیل را هنرمندانه در شعر خویش به کار گرفته است.  
 برای نمونه:

غای۷ (۷) تُرک همه عالم پی وصل تو نمودم تو تُرک کن ای تُرک من این خوی دغا را  
 غای۱۰۰ (۸) خواریم اگرچه نزدش از خار رقیب گوئیم ز گل سخن نه از خار حدیث  
 قع۵ (۲) مطرب مزن در این دم بر تار چنگ چنگ زان رو که از مصیبت دل ها فکار شد  
 غای۳ (۵) تا تار نموده است هوا را بت چینم تا تار سر زلف دهد باد صبا را  
 غای۳۰ (۲) چیست جز یاقوت تو قوت دل بیمار من کاش بهر قوت قلب خراب آیی مرا

#### ۲- موازنه

غای۱۵ (۱) ضمیر من همه مهر و وفاست در همه وقت نهاد تو همه جور و جفاست در همه جا  
 غای۳۹ (۵) جسمم هبا شود اگرش تو کنی عتاب روحم فنا شود اگرش تو کنی غضب

### ج) بدیع معنوی

انواع صنایع بدیع معنوی اعم از تجاهل العارف، مراعات النظیر، تضاد، پارادوکس، حس آمیزی، تلمیح، انواع ایهام، لف و نشر، اعداد، سیاقه الاعداد، تنسیق الصفات، حسن تعلیل و... در اشعار میرزا کاظم طبیب دیده میشود که برای نمونه به برخی از موارد یاد شده اشاره خواهیم کرد:

#### ایهام تناسب

غای۳۳ (۳) ترکان خطا راست جفا پیشه ولیکن ای ترک من امروز بکن ترک جفا را  
 غای۳۲ (۷) آن عشوه شیرین چه شد ای خسرو خوبان؟ تا کار کنم یکسره چون کوه کن امشب

#### پارادوکس

غای۴۶ (۲) ضدت یکدیگر نگرود جمع لیکن ماه من آب و آتش کرده یکجا جمع او بی ارتیاب  
 غای۹۳ (۹) ژرف است بصیر بحر عشق جانان سوزیم در این بحر پس این نار ز چه است؟

#### تجاهل العارف

غای۹۲ (۵) پرنیان پوشیده بر تن یا تنش چون پرنیان؟ سیم را ماند به چشم بس که او سیمین بر است  
 غای۱۲۷ (۴) درج لعل است و یا تنگ شکر یا مرجان؟! یا نشانی ز دهانت به گمان میآید؟!

#### حسن تعلیل

غای۱۷ (۳) ظهر فلک خمیده دانی ز چیست یارا؟ گرد ره تو گردد بر چشم سرمه او را  
 غای۸۳ (۶) قمری به چمن قد تو دید [ه] است از آن است خواند به سر سرو به آوازه کوکوت

#### تلمیح داستانی

غای۱۹ (۵) غیور دلبر من افکنند به چاه ذقن به آن کمند دو گیسو هزار بیژن‌ها  
 ق ۳ (۳۶) نور تو تجلی کن در نخله سیناست آواز انا الله از آن نخله از آن بود

#### اقتباس و تلمیح به آیات و احادیث

غای۱۲ (۳) سایه افکنده همای دلبر و گوید آست کیست تا گوید جواب شاه خوبان را بلی  
 غای۱۲ (۴) سر گنت کنز مخفی کرده اینک آشکار پرتوافکن گشته هر جا تا که گردد مبتلا؟

#### تناسب

غ ۱۰ (۴) آب وصلی کو؟ که خاکم را ز هجران باد برد نار حرمان سوختم تا استخوانم خاک شد  
 غ ۴ (۸) به ا سب و رخ نتوان تاختن به وادی عشق که شهریار چو معشوق و حسن فرزین است

## ۲-۴- بررسی مهارت‌های خاص شاعر و نیز نوآوری احتمالی او

چنانکه از مثالهای یاد شده برمی‌آید، چیرگی میرزا کاظم طبیب در آفرینش هنری با استفاده از صنایع بدیعی و بیانی به ویژه بهره‌گیری از صنعت جناس، موازنه، ایهام تناسب و تشبیه بسیار قابل توجه است. وی هنرمندانه واژه‌ها را در کنار هم مینشاند و حاصل این همنشینی ماهرانه، بیتی است که در آن واحد چندین صنعت هنری را در دل خود جای داده است. افزون بر این، میرزا کاظم از آن دست شاعرانی است که با وجود آنکه مانند دیگر شاعران همعصر خویش پیرو سبک بازگشت و استفاده از مختصات شعری پیشینیان در کلام خود میباشد، از نوآوری نیز غافل نبوده است. این نوآوری به طور ویژه در یکی از آرایه‌های بدیع لفظی یعنی صنعت اعنات یا التزام جلوه‌گر است. شاعر در دسته‌ای از غزلیات خود نوع ویژه‌ای از التزام را به کار برده که به نظر میرسد خاص خود اوست. شمس قیس رازی اعنات را چنین تعریف کرده است: «اعنات آن است که شاعر حرفی یا کلمه‌ای که التزام آن واجب نباشد التزام کند و در هر بیت یا مصراع مکرر گرداند و شعراء عجم آن را لزوم ما لایزم خوانند.» (المعجم، شمس قیس رازی: ۲۸۴) میرزا کاظم طبیب یزدی در دسته‌ای از غزلیاتش خود را ملزم به رعایت قواعدی خاص نموده است. وی برای سرودن این غزلها طرحی نو در انداخته است و چنانکه گفته شد، به نظر میرسد باید خود او را مبدع این نوع التزام بدانیم. در این طرح ابتدا شاعر با نامگذاری نخستین بخش به باب الألف، حرف پایانی ابیات غزلها را تعیین نموده است. خواه قافیه به این حرف ختم شود و خواه ردیف. تمامی ۳۱ غزل نگاشته شده در این باب به حرف الف پایان می‌یابند. سپس نخستین واژه‌های مصرع‌های فرد و نیز مصرع دوم بیت اول در غزل اول این بخش را با حرف الف آغاز میکند و در ادامه به ترتیب حروف الفباء، واژه‌های مذکور هر کدام از غزلهای بعدی نیز با حرفی یکسان آغاز میشوند. بدین ترتیب علاوه بر تعمد شاعر به سرودن غزلیات ده بیتی (به استثنای دو غزل نه بیتی) مصرع‌های نخست هر غزل اختصاص به حرفی از حروف الفبا دارد. میرزا کاظم این غزلیات را پس از سرودن چهار باب ناتمام رها میکند. به نظر میرسد دشواری رعایت التزام شاعر را از ادامه کار منصرف ساخته است و شاید نیز فرصت اتمام مجموعه را نیافته است. ناگفته نماند که رعایت این التزامها صرف نظر از جنبهٔ زیباشناختی و بُعد ادبی آن، گاه شاعر را وادار به کاربرد واژه‌هایی نموده که شاذ و نادر و غریب الاستعمالند و یا از نظر معنی با دیگر واژه‌ها در محور همنشینی سختی ندارند. به عبارت دیگر کاربرد این نوع التزام شاعر را به گزینش واژه‌های قاموسی سوق داده و نوعی تکلف را به شعر تحمیل نموده است. آرایش قافیه و نیز رعایت موسیقی کناری در آغاز ابیات در غزلیات التزامی شاعر به این شکل است:

\*.....\*

\*.....\*

\*.....\*

برای نمونه ابیات زیر از غزلی که در آن آغاز با حرف (میم) التزام شده است:

- |   |  |   |
|---|--|---|
| ۱ | مه من خوب میدانی رموز دلربایی را       | مبّر دل یا مبرّ از ما طریق آشنایی را    |
| ۲ | مروت نیست با یاران جفا و جور بی پایان  | بیا ای تُرک من کن تُرک رسم خود نمایی را |
| ۳ | مگر شرط نکویی بی وفایی بود با عاشق     | گرفتارم چو کردی پیشه کردی بی وفایی را   |
| ۴ | مرا گفتم زهجران می‌گدازی روز و شب بینم | زند هر دم رقیبم شکوه روز جدایی را...    |

#### نتیجه‌گیری:

میرزا کاظم طبیب یزدی متخلص به بصیر شاعر و پزشک توانا اما گمنام عصر قاجار از خاندان پرآوازه حکیمان منسوب به حکیم نفیس بن عوض کرمانی طبیب برجسته قرن هشتم و نهم می‌باشد که در طول چندین قرن تا به امروز چهره‌های فاخر علمی و ادبی زیادی از این خاندان برخاسته‌اند. مشهورترین دانشمند خاندان حکیمان مرحوم ناظم‌الأطبّاء و پس از ایشان فرزندشان مرحوم سعید نفیسی است. میرزا کاظم طبیب وارث هر دو دانش موروثی خاندان خویش یعنی پزشکی و ادب می‌باشد. از ایشان دیوانی مشتمل بر بیش از چهار هزار بیت باقی است که بر مبنای تعداد ابیات به ترتیب در قالب‌های غزل، قصیده، مثنوی، مسمط و نیز قالب‌های ترکیبی، ترجیع بند و ترکیب بند و رباعی سروده شده است. موضوع عمده این دیوان اشعار آیینی است که در دو بخش تولّی (مدح و منقبت ائمه‌(ع) و مولودیه، نوحه‌ها و مراثی عاشورایی) و تبری تجلی یافته است. پس از این موضوع، عشق و سپس دیگر موضوعات نظیر عرفان و شکوه از روزگار و مناجات و... از موضوعات مورد توجه شاعر است. زبان شعری میرزا کاظم در مجموع اشعار، ساده و سلیس و روان و صنایع بدیعی و بیانی به وفور در اشعار ایشان کاربرد یافته است؛ بدون آنکه موجبات تکلف کلام را فراهم سازد. همانطور که مشاهده شد، در غزلیات میرزا کاظم شیوه شاعران سبک عراقی و در قصاید و منظومه داستانی ایشان پیروی از شاعران سبک خراسانی مشهود است که با توجه به این ویژگیها میتوان شعر میرزا کاظم طبیب را در زمره اشعار سبک بازگشت قلمداد نمود. ضمن اینکه در موضوعات شعری و برخی قالبهای ترکیبی و صنایع شعری، نوآوریهای نیز در شعر ایشان دیده میشود. نکته قابل توجه در دیوان بصیر نوآوری ایشان در کاربرد نوعی التزام است که به احتمال زیاد خود مبدع آن میباشد.

## فهرست منابع:

### کتابها

- ۱- المعجم فی معاییر اشعار العجم؛ رازی، شمس قیس؛ تصحیح محمد قزوینی و محمد تقی مدرس رضوی؛ بی‌جا، زوآر، ۱۳۶۰.
- ۲- بیان و معانی؛ شمیسا، سیروس؛ چاپ هشتم؛ تهران، فردوس، ۱۳۸۳.
- ۳- تاریخ پزشکی کرمان؛ ملک محمدی، مجید؛ کرمان، گرا، ۱۳۹۲.
- ۴- حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در کرمان؛ میرزا رضی، رضا؛ چاپ اول؛ کرمان، کرمان شناسی، ۱۳۸۹.
- ۵- دانشنامهٔ مشاهیر یزد؛ کاظمینی، میرزا محمد؛ ج ۲؛ یزد، بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول، ۱۳۸۲.
- ۶- دستور زبان فارسی ۲؛ انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن؛ چاپ بیست و پنجم، تهران، فاطمی، ۱۳۸۵.
- ۷- عروض فارسی؛ ماهیار، عباس؛ چاپ یازدهم، تهران، قطره، ۱۳۸۸.
- ۸- فرهنگ عامهٔ ابرکوه؛ حاجی زاده میمنندی، مسعود؛ چاپ اول؛ یزد، تیک، ۱۳۹۲.
- ۹- فرهنگ نفیسی؛ نفیسی، علی اکبر؛ مقدمهٔ محمدعلی فروغی، ج ۱، تهران، خیام، ۱۳۵۵.
- ۱۰- نگاهی تازه به بدیع؛ شمیسا، سیروس؛ چاپ چهاردهم؛ تهران، فردوس، ۱۳۸۳.

### مقالات

- ۱۱- سوگ سروده‌های عاشورایی در ادب فارسی؛ رستگار فسایی، منصور؛ مجلهٔ کیهان فرهنگی؛ اردیبهشت ۷۹، ش ۱۶۳، صص ۴ تا ۹.
  - ۱۲- مرثیه سرایی و نوحه خوانی در دورهٔ قاجار؛ آل داود، علی؛ مجلهٔ نامهٔ پارسی؛ بهار ۷۹، ش ۱۶، صص ۱۲۷ تا ۱۵۸.
- پایان نامه:
- ۱۳- سهم ناظم الاطباء در فرهنگ نویسی به همراه زندگی نامه و آثار؛ بهرامی، آذر دخت؛ راهنما: دکتر ابوالقاسم رادفر؛ مشاور: دکتر فاطمه غلامرضایی کهن؛ جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۳.

### سایت

- ۱۴- برگی از تاریخ عزاداری در ابرکوه، سنت نخل برداری ابرکوه از صفویه؛ گفتگوی رحیم میرعظیم با حامد اکرمی؛ خبرگزاری فارس، (۱۳۹۲/۸/۱۹).
- نسخهٔ خطی:
- ۱۵- نسخهٔ خطی دیوان اشعار؛ طبیب یزدی، میرزا کاظم؛ فاقد ترقیمه.